| | | |
|---|---|---|
| اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان<br>مدیریت اداره آموزش وپرورش ناحیه یک شهرستان سنندج<br>نام آموزشگاه: نمونه دولتی شهید نامدار مرادی۱ | باسمه تعالی<br>محل مهر آموزشگاه | نام درس: املای فارسی<br>پایه: هفتم<br>ساعت شروع: ۸<br>تعداد صفحه: یک<br>امتحان نوبت دوم<br>نام طراح: پریسا سالور |
| نام و نام خانوادگی: | | |
| زمان امتحان: ٤٥ دقیقه | | |
| تاریخ امتحان: ۱٤۰۲/۳/۱۷ | | |

**«متن املای تقریری فارسی هفتم»**

**با نگاه‌های کنجکاوانه و تشنه، به درس بزرگ طبیعت می‌نگریستم. روحم چنان غرق فهمیدن بود که از هیجان می‌لرزید. احساس می‌کردم هم اکنون چشمه‌های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد و آب‌های زلال و سرد و گوارای فهم و دانایی در من خواهد جوشید.** *(درس چشمهٔ معرفت، ص۱۸)*

**پروین از کودکی کوشا و اهل تفکر بود. این کودک آرام و با استعداد، با راهنمایی و کمک پدرش، سرودن شعر را آغاز کرد. پدر از پروین، همچون مرواریدی در صدف، با دقت مراقبت می‌کرد. سروده‌هایش آنقدر شگفت انگیز بودند که بزرگ‌ترین شاعران روزگار، او را تحسین و تشویق می‌کردند.** *(درس مرواریدی در صدف،ص ۸۸- ۸۹)*

**پیامبر گرامی اسلام، در میانِ جمع، گشاده‌رو بود و در تنهایی، سیمایی محزون و متفکر داشت. هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی‌کرد و بیشتر اوقات، چشم‌هایش را به زمین می‌دوخت. در سلام کردن به همه، حتی به کودکان، پیش‌دستی می‌کرد. هر گاه به مجلسی وارد می‌شد، نزدیک‌ترین جای خالی را اختیار می‌کرد.** *(درس اسوهٔ نیکو، ص ۱۱۵)*

**اگرچه آدم‌آهنی قصهٔ ما، در گوشه‌ای از سالن نمایشگاه ایستاده بود ولی همیشه جمعیت زیادی دورش جمع می‌شدند و تماشایش می‌کردند. آدم‌آهنی یکی از بهترین و جذاب‌ترین وسایل بود.** *(درس آدم آهنی و شاپرک،ص۱٤۲)*

*جاودان‌مانیده نکونامی*

**بارم**

**۲۰ نمره**

دبیرستان شهید نامدار مرادی